

اشاره

پژوهش در امر صادرات غیرنفتی کارنازهای نیست. جنبه‌های مختلف صادرات کالا اعم از بازارهای صادراتی، نوع کالاها، کیفیت و قیمت آنها از دیرباز کم و بیش در برهه‌ای از زمان به صورت اجمالی و در برهه‌ای دیگر به طور گسترده مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت در جهت یکی از والاترین ارمانهای آن که همانا استقلال اقتصادی بود، گریز از وابستگی به درآمد تک‌محصولی نفت شتاب گرفت و استقلال

سیاسی کشور می‌رفت که در عرصه‌های اقتصادی نیز با تکیه بر بازوهای توانمند ملتی به پاخاسته به تدریج حتی حلقه‌ای از زنجیر اسارت اقتصادی را باقی نگذارد. لکن تحریم اقتصادی و مهمتر از آن جنگی ناخواسته آهنگ کاهش وابستگی اقتصادی و رفع آن را کندتر ساخت. به طوریکه فشارهای اقتصادی جنگی و حدت آن بر مردم و دولت چنان بود که وقتی گنایشی در فروش و صادرات نفت و افزایش در قیمت آن که مآلاً افزایش درآمد ارزی کشور را به دنبال داشت پدید آمد، برنامه‌های اقتصادی و توجیهات مسئولین به طور عمده به کاهش فشارهای مذکور معطوف شد و توجه کمتری به توسعه صادرات غیرنفتی صورت گرفت.

با کاهش قیمت و صادرات نفت در سال ۱۳۶۴ که کاهش شدید درآمد ارزی را در شرایط تشدید نیازهای ارزی به دنبال داشت، بنابراین تلاش به منظور توسعه صادرات غیرنفتی و کاهش اتکاء به درآمد نفت حیاتی مجدد گرفت و پژوهش و تحقیق - به طور گسترده - دیگر بار در زمینه صادرات و مسائل پیش راد توسعه آن در دستور کار دولت قرار داده شد و در وسایل ارتباط جمعی - تحلیلیها و مقالات بسیاری تهیه و ارائه گردید و بدین ترتیب روند صادرات غیرنفتی و رشد و

توسعه آن که نیازمند تسهیلات بسیاری جهت صادرکنندگان بود تغییر اساسی پیدا کرد، پرداختن به موضوع روند توسعه صادرات احتیاج به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی با وسعت نظر به موضوع دارد. بنابراین برای بهبود تجارت و توسعه صادرات غیرنفتی می‌بایست خطوط کلی و دورنمای توسعه اقتصادی را مشخص کرد. به بیانی دیگر سیاستگذاری برطبق الگو و استراتژی توسعه اقتصادی با تعیین چارچوب توسعه صادرات تعریف واقعی جایگاه صادرات غیرنفتی را در این بخش مشخص خواهد کرد.

جایگاه صادرات غیرنفتی در اقتصاد کشور

۱- نقش صادرات غیرنفتی در افزایش ظرفیتهای اساسی:

مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که وضعیت عدم استفاده بهینه از ظرفیتهای تولیدی، مبتلا به تمام کشورهای در حال توسعه است و میزان استفاده از ظرفیتهای تولیدی بسنگی به سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی دارد. بدین معنی که هر قدر سطح توسعه پائین‌تر باشد میزان استفاده از تجهیزات و منابع موجود کمتر است. در کشورهای جهان سوم از جمله عواملی که در عدم استفاده کامل از ظرفیتهای تولیدی دخالت دارد کمبود مواد خام و نیروی انسانی ماهر است که در صدر علل قرار دارد. لیکن یکی از سیاستهای کلی در برنامه اول توسعه، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور توجه و تأکید بر افزایش بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود کشور در جهت هدفهای توسعه است.

۲- نقش صادرات غیرنفتی در ایجاد اشتغال:

صادرات غیرنفتی کلیه اجزاء و عوامل اقتصادی به ویژه اشتغال را تحت تأثیر



جهش صادرات غیرنفتی نیازمند اتخاذ سیاستهای استراتژیک تجاری

○ شیرین شفیعی

جهش نه به معنای یک رشد مقطعی صادرات است بلکه به معنی کاربرد سیاستهای استراتژیک تجاری و ایجاد اصلاحات ساختاری در تمام بخشهای اقتصادی است. بدینگونه باید حرکتی جامع و گسترده در قالب برنامه‌ای مدون با قابلیت اجرایی شدن برای تغییر استراتژی جانشینی واردات که در تمام سالهای گذشته با اتکاء به نفت همراه بوده به سمت استراتژی صادرات آغاز گردد.

با تأکید بر التزام بازنگري و اصلاح در ساختار و سیاستهای صنعتی، کشاورزی، پولی و مالی کشور برای ایجاد جهش در صادرات غیرنفتی باید یادآور شد که در یک افق ۲۰ ساله، سهم جمعیت ایران از کل جمعیت جهان حدود ۱/۴ درصد خواهد شد و لازم است سهم بازرگانی خارجی کشور نیز از تجارت جهانی متناسب با سهم عادلانه جمعیت ایران از رقم ۰/۳ درصد فعلی به ۱/۴ درصد در ۲۰ سال آینده ارتقاء یابد. یعنی برای کسب جایگاه واقعی ایران از تجارت جهانی باید به طور متوسط صادرات غیرنفتی کشور در هر سال ۱۸ درصد افزایش یابد تا ۲۰ سال آینده حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته باشیم. و این جهش صادراتی تنها از طریق آزادسازی اقتصادی میسر خواهد شد، اما آزادسازی اقتصادی در مرحله انتقال، نیاز به یک برنامه‌ریزی جامع دارد. بنابراین تنها راه رسیدن به جهش صادراتی هماهنگی میان سیاستهای تمام بخشهای اقتصادی و اجتماعی کشور است.

عمده‌ترین تنگناهای صادراتی کشور

۱. ناهماهنگی قوانین و مقررات و عدم شفافیت و بیچیدگی آنها.
۲. عدم اجرای صحیح قوانین و مقررات و ناپایداری آنها.
۳. پائین بودن کیفیت برخی از کالاها و خدمات.
۴. ناکافی بودن نقدینگی و ضعف منابع مالی واحدهای تولیدی و خدماتی - صادراتی.
۵. عدم دسترسی به موقع به مواد اولیه و نهادهای تولید.
۶. عقب‌ماندگی تکنولوژیکی برخی از

صادرات کالاها و خدمات نه تنها در افزایش درآمدهای ارزی کشور نقش بسزایی دارد بلکه عامل اصلی دستیابی به رشد اقتصادی پایدار می‌باشد.

صادرات می‌تواند سمت و سوی سرمایه‌گذارهای مولد را تعیین کند و در کاهش و تخفیف بسیاری از مشکلات اقتصادی - اجتماعی نظیر بیکاری، تورم و... تأثیر مثبت داشته باشد. بدین جهت استفاده از واردات فن‌آوریهای جدید برای تولید کالاهای صادراتی و بهره‌گیری از کارشناسان متخصص خارجی در بهبود کیفیت محصولات صادراتی ضروری است. گذشته از آن برنامه‌هایی مانند آموزش و تربیت کارکنان متخصص برای صادرات دستگاههای ذیربط، ترویج و تبلیغ کالاهای صادراتی از سوی دولت در کشورهای خارجی برای معرفی کیفیت و توانمندی تولیدات ایرانی، معافیتهای مالیاتی بیشتر حتی نسبت به فروش داخلی برای صادرکنندگان، تسهیلات بیشتر ارزی و مالی (سه خصوص وام) برای صادرکنندگان، اعطای یارانه به صادرکنندگان جهت تسهیلات در رسانه‌های گروهی و مطبوعات خارجی و تقویت کارکنان بخش بازرگانی در سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور در رشد صادرات غیرنفتی مؤثر است. هنگامی که مصرف‌گرنه درآمدهای نفتی انگیزه تولید کیفی را در بخشهای کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات و... از بین برد و نوسانات بی‌در پی قیمت جهانی نفت، حیات تمام بخشهای اقتصادی را به مخاطره انداخت. مسئولین و کارشناسان را بر آن داشت تا شیوه‌های رهایی از اقتصاد تک‌محصولی وابسته به درآمدهای نفتی را بررسی کنند و سیاست توسعه صادرات غیرنفتی را برای کسب جایگاه واقعی از دست رفته ایران در تجارت بین‌المللی پیش‌رو قرار دهند. اما رسیدن به چنین جایگاهی با توجه به رشد شتابان تجارت جهانی و رکود صادرات غیرنفتی ایران که عمده‌نا محصول اتکاء به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، انحصار دولت در بخشهای مهم اقتصادی و اتخاذ سیاستهای انقباضی پولی و مالی است به یک جهش صادراتی نیاز دارد.

خود قرار می‌دهد. در این راستا مصادیق اثرگذاری آن بر اشتغال را می‌توان در زمینه‌های تولید، گردآوری و بسته‌بندی و صدور و بازاریابی یافت. بنابراین صادرات غیرنفتی از جهت تولید می‌تواند مستقیماً از طریق نیروی کار فعال در فرآیند تولید و یا غیرمستقیم از جهت تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات، اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد. البته هر مقدار کالاها یا تولیدات فوق «کاربرتر» بوده و به صنایع داخلی وابستگی بیشتری داشته باشد تأثیر آن بر اشتغال بیشتر است.

به هر حال بین صادرات غیرنفتی و اشتغال رابطه تنگاتنگی وجود دارد که علاوه بر موارد فوق‌الذکر، زمینه‌های اشتغال در مواردی چون تحقیقات و بازاریابی، برگزاری نمایشگاههای تجاری، صادراتی، سمینارهای مرتبط با صادرات که به جهت توسعه صادرات تشکیل می‌شوند. به هر حال هریک بنا به مورد، تعدادی از نیروی انسانی کشور را به خود مشغول می‌کند.

۳- نقش سهم صادرات غیرنفتی در ایجاد درآمدهای ارزی:

ساختار اقتصادی کشور ما از سالیان گذشته براساس واردات و مصرف از محل درآمد حاصل از فروش نفت طرح‌ریزی شده و درآمد صادرات غیرنفتی رقم قابل توجهی از کل درآمد ارزی کشور را تشکیل نمی‌دهد که شاید بتوان دلایل عمده عدم توسعه صادرات غیرنفتی بعد از انقلاب را عدم تحرک و ضعف بخشهای تولیدی در جهت تولید کالاهای قابل رقابت در بازارهای بین‌المللی، عدم تشویق و حمایت از صنایع صادراتی، عدم بازاریابی برای کالاهای صادراتی همچنین تکیه بیش از حد به صادرات نفت خام و فشار تقاضای داخلی ناشی از افزایش درآمد و تورم داخلی را نام برد.

دستیابی به فن‌آوری‌های جدید و تسهیلات مالی در رشد صادرات غیرنفتی مؤثر است

رشد صادرات غیرنفتی از اهداف عمده اقتصاد کشور در ده سال اخیر و از برنامه‌های اصلی دولت بوده است.

صادرات غیرنفتی کلیه اجزاء و عوامل اقتصادی به ویژه اشتغال را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این راستا مصادیق اثرگذاری آن بر اشتغال را می‌توان در زمینه‌های تولید، گردآوری و بسته‌بندی و صدور و بازاریابی یافت. بنابراین صادرات غیرنفتی از جهت تولید می‌تواند مستقیماً از طریق نیروی کار فعال در فرآیند تولید و یا غیرمستقیم از جهت تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات، اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد.

واحدهای تولیدی.

۷. بالا بودن قیمت تمام شده کالاها.
۸. پائین بودن میزان بهره‌وری نیروی انسانی.
۹. عدم توجه به کیفیت و استانداردها.
۱۰. ناکافی بودن مراکز اطلاع‌رسانی.

- ضعف ساختار زیربنایی مبتنی بر واردات.
- کم‌تجربگی در بازاریابی.
- پائین بودن کیفیت محصولات.
- مشکلات ارزی و آتین‌نامه‌های دست و پاگیر برای واردات مواد اولیه و محصولات نیم‌ساخته صنعتی.

روند صادرات غیرنفتی طی سالهای ۱۳۷۷-۱۳۷۳

روند صادرات غیرنفتی کشور از سال ۷۳ تا ۷۶ صعودی بوده و طی این مدت از حدود یک میلیارد دلار به ۴/۸ میلیارد دلار بالغ گشته است. لکن طی سه سال اخیر این روند معکوس گردیده و ارزش صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۷۶ به کمتر از ۳ میلیارد دلار رسیده است و در طول سالهای ۷۵-۱۳۶۷ بیش از ۵۰ درصد صادرات غیرنفتی کشور شامل فرش و خشکبار بوده است. این روند نشان می‌دهد که نوعی تمرکز کالایی در ترکیب صادرات غیرنفتی کشور ما وجود دارد و درآمد ارزی ناشی از صادرات غیرنفتی به میزان قابل توجهی وابسته به شرایط بازار بین‌المللی این نوع کالاها می‌باشد. در این زمینه کشورهای طرف قرارداد برای صادرات، تمرکز بالایی در دوره ۷۵-۱۳۶۷ مشاهده می‌شود. به طوری که حدود ۳۷ درصد صادرات ایران در این دوره به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا بوده است. این تمرکز بالا در کشورهای طرف قرارداد به مفهوم وابستگی شدید به شرایط و نوسانات

اقتصادی کشورهای طرف مقابل است. به طوری که متوسط قیمت هر کیلوگرم کالای صادراتی کشور به سرعت کاهش یافته و از ۸۵ سنت برای هر کیلو در سال ۱۳۶۷ به ۳۲ سنت برای هر کیلو در سال ۱۳۷۶ نازل یافته است و اما ارزش افزوده بخش بازرگانی به قیمت‌های ثابت و جاری دوره مورد بررسی سیر صعودی داشته، اما سهم آن در GDP (به قیمت‌های جاری) غالباً دارای روند نزولی بوده و از ۲۰/۵ درصد به ۱۷ درصد کاهش یافته اما این سهم به قیمت‌های ثابت تقریباً ثابت مانده است و در این دوره سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص کشور ما روندی کاهشی داشته به طوری که سهم صادرات (شامل نفت) به قیمت ثابت از ۱۸ درصد به ۱۶/۶ درصد و سهم ارزش واردات به قیمت‌های ثابت از ۸/۴ درصد به ۴/۶ درصد نازل یافته است.

طی دوره ۷۷-۱۳۷۳ به دلیل افزایش نرخ تورم (عمده‌فروشی) بالاتر از میزان افزایش نرخ دلار صادراتی، نرخ مؤثر واقعی دلار صادراتی حدود ۲۶ درصد کاهش یافته است و این امر به کاهش صادرات غیرنفتی منجر گردیده است.

عملکرد ضعیف و عدم تحرک بخش صادرات غیرنفتی کشور در طول دوره مورد بررسی که ریشه در مشکلات عدیده، بنیادی و ساختاری را نشان می‌دهد باعث شد که اقتصاد کشور به میزان قابل توجهی به صادرات نفت و واردات وابسته شود و در مقابل تغییرات بهای نفت در بازارهای جهانی شدیداً آسیب‌پذیر گردد.

براساس بررسی‌های انجام گرفته می‌توان پیش‌بینی نمود که در صورت عدم تغییر نظام ارزی و نظام پولی و مالی کشور طی ده سال آینده کشور توانایی افزایش صادرات غیرنفتی را ندارد و احتمالاً در اکثر سالهای دهه آینده رشد آن منفی

می‌باشد و در سال ۱۳۸۵ به رقمی بیش از ۳ میلیارد دلار بالغ نمی‌شود. بنابراین انجام اصلاحات ساختاری و نهادی و سیاسی برای تحقق هدف توسعه سریع صادرات امری ضروری است.

برای تحقق هدف توسعه سریع صادرات ضروری است اصلاحات زیر در بخش بازرگانی انجام پذیرد:

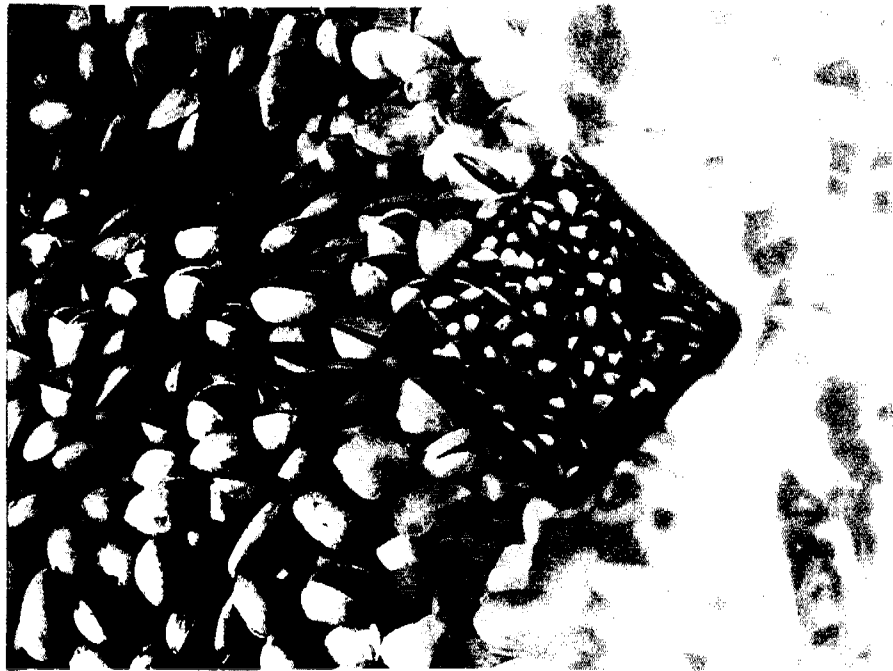
- اتخاذ سیاست‌های استراتژیک تجاری به منظور خلق مزیت‌های نسبی.
- تشویق تولیدات صادرات‌گرا.
- تشویق و تسهیل استفاده از استانداردهای جهانی.
- افزایش تنوع و کاهش مرز کالایی و کشوری صادرات.
- پیگیری موافقت‌نامه‌های تجاری.
- اولویت‌بندی واردات به لحاظ تقویت صادرات.
- اعطای اعتبارات صادراتی.
- مبادله ارزهای حاصل از صادرات به نرخ توافقی.
- تقویت و توسعه شبکه اطلاع‌رسانی بازرگانی.
- حمایت و تشویق تشکلهای صادراتی.
- اصلاح ساختار و تشکیلات روشهای اداری صدور و ورود کالا.
- انجام تحقیقات کاربردی و استفاده از نتایج آنها در زمینه سیاست‌گذاری.
- تفویض اختیارات لازم به استانها.
- بهره‌گیری از موقعیت ویژه کشور.
- تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای.
- هدف‌گذاری برای صادرات کشور در بخشهای مختلف اقتصادی.
- جلب سرمایه‌های خارجی.
- ارائه آموزش‌های لازم و ارتقاء دانش دست‌اندرکاران امر تجارت.
- تشویق و حمایت از صدور خدمات و...

راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی

۱. وضع و تصویب قوانین متناسب و در

مقایسه صادرات کالاهای غیر نفتی کشور طی دوازده ماهه سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ بر حسب گروه‌های عمده کالایی

ردیف	گروه کالاها	دوازده ماهه سال ۱۳۸۰										دوازده ماهه سال ۱۳۷۹									
		وزن (هزار تن)		ارزش			درصد سهم نسبی از کل	وزن (هزار تن)		ارزش			درصد سهم نسبی از کل	وزن (هزار تن)		ارزش					
		وزن	میلیارد ریال	میلیون دلار	دلاری هر تن	ارزش		وزن	میلیارد ریال	میلیون دلار	دلاری هر تن	ارزش		وزن	میلیارد ریال	میلیون دلار	دلاری هر تن	ارزش			
۱	کالاهای صنعتی	۱۱۰۲۲/۵	۴۱۲۹/۳	۲۳۵۲/۹	۲۱۲/۳	۶/۱	۱۰۱۹۵/۹	۳۴۴۵/۱	۱۹۲/۵	۷۳/۶	۵۶/۳	۱۹/۹	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۹/۹	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۰/۸	
۲	کالاهای کشاورزی	۹۹۸/۲	۹۹۸/۲	۸۵۱/۶	۸۵۲/۲	۲۱/۸	۱۰۴۴/۵	۱۴۰۲/۴	۷۶۶/۲	۷/۵	۲۳	۶/۴	۱۱/۳	۱۱/۳	۶/۴	۱۱/۳	۱۱/۳	۱۱/۳	۱۱/۳	۱۱/۳	
۳	کالاهای معدنی	۳۱۳۰/۶	۳۷۵/۲	۱۵۶/۸	۵۰/۱	۴	۲۵۷۴/۱	۱۳۱/۸	۳۱/۳	۱۸۶	۷/۳	۲/۳	۵۹/۵	۵۹/۵	۲/۳	۲۱/۶	۹۴/۱	۲۱/۶	۹۴/۱	۲۱/۶	
۴	فروش دستیاف و صنایع دستی	۳۲/۶۵	۹۷۶/۸	۵۵۶/۵	۱۷۰۲۲	۱۴/۲	۳۸/۳	۱۱۲۷/۶	۱۶۷۷	۰/۳	۱۸/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴	
۵	کالاهای غیر نفتی کل صادرات	۱۵۱۹۴	۶۸۷۵/۹	۳۹۱۷/۹	۲۵۷/۸	۱۰۰	۱۳۸۵۲/۸	۶۱۱۸/۹	۵/۸	۳۴۸/۶	۱۰۰	۹/۸	۱۲/۳	۱۲/۳	۹/۸	۱۲/۳	۱۲/۳	۱۲/۳	۱۲/۳	۱۲/۳	



و برقراری تسهیلات متقابل نمایشگاهی بین مرکز توسعه صادرات غیرنفتی و بخش صادرات در استانها.

۹. تأمین منابع ارزی مورد نیاز جهت تهیه مواد اولیه شرکتی که در امر صادرات غیرنفتی فعالیت می‌نمایند.

۱۰. مقررات زدایی و روان‌سازی مقررات.

۱۱. بهبود روشهای جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی.

۱۲. توجه به کیفیت و استانداردهای بین‌المللی توسعه صادرات.

۱۳. استفاده از نمایشگاههای تخصصی صادرات در جهت پیشبرد اهداف بازاریابی.

منابع و مأخذ:

- ۱- ماهنامه تخصصی و بازاریابی شماره ۲ و ۱۳.
- ۲- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی مقالات واحد تحقیقات بازرگانی
- ۳- آمار مقدمات تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران دوازده ماهه سال ۸۰.
- ۳- فعالیتهای نظام برنامه‌ریزی "سازمان برنامه و بودجه" بهمن ماه ۱۳۷۷.
- ۴- رهنمودهای کلی مصوب شورای فرابخش و شورای تلفیق برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی "سازمان برنامه و بودجه".

نهایت هماهنگی عناصر قانونی و سیاستهای اجرایی تضمین گسترش صادرات غیرنفتی و ابلاغ قوانین و دستورالعملها.

۲. برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیتهای صادراتی استانها جهت حضور شرکتها در نمایشگاههای تخصصی سالانه توسعه صادرات.

۳. بالا بردن قدرت جذب مثبت و متناسب بازارهای مصرف جهت فروش و عرضه کالا با تغییر اولویتهای افلام صادراتی.

۴. حمایت از فعالیتهای صادراتی با تقویت حضور و مشارکت شرکتیهای تخصصی فعال در توسعه صادرات غیرنفتی.

۵. اعطای تسهیلات اعتباری برای خرید، جمع‌آوری، بسته‌بندی و سایر هزینه‌های قبل از صدور و نقل و انتقال ارزی اعم از داخلی و خارجی برای شرکتیهای فعال در امور توسعه صادرات.

۶. ایجاد ظرفیتهای جدید تولیدی برای تولیدکنندگان در امر گسترش صادرات.

۷. ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای و اطلاع‌رسانی به موقع به صادرکنندگان (به ویژه در امور بازاریابی).

۸. همکاریهای بانکی و امور کارگزاری